پنجشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۳
۵۱۴
شماره ۴۱۶۱
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

۶ نامزد انتخابات درباره فرهنگ چه بگویند، کارشناسان پیشنهاد می‌دهند

فرهنگ؛ سس سالاد سر سفره؟

عاطفه جعفری - کیانا تصدیق‌مقدم
گروه فرهنگ

میزگردهای فرهنگی شش نامزد ریاست جمهوری دولت چهارم هم از پنجشنبه ۲۴ خرداد ادامه آغاز می‌شود و تا ۳۰ خرداد ادامه خواهد داشت. این میزگردها حوالی ساعت ۱۹ از آنتن شبکه دو سیما پخش می‌شود. با محمدعلی صائب، سرپرست ستاد انتخابات صداوسیما چند یاری نمامی گرفتیم تا از کیفیت این میزگردها سوال کنیم، او از پاسخگویی امتناع کرد؛ تا لحظه تنظیم این گزارش، توضیح زیادی در مورد کم و کیف این میزگردها منتشر نشده، اما احتمالا برنامه به صورت ضبطی آماده شده است و با توجه به پیشینه فرهنگی هرکدام از این نامزدها و زمان محدودی که در اختیار دارند، پیش‌بینی می‌کنیم طرح مباحث در کلیات باقی بماند. این نگرانی هم وجود دارد که این میزگردها همچون خیلی از رویدادهای دیگر فرهنگی و نحوه ورود مدیران به مقوله فرهنگ، جنبه ویترینی پیدا کند و از ورود به نظام مسائل حوزه فرهنگ پرهیز شود. با این حال این میزگردها از جدی‌ترین بخش‌هایی است که صداوسیما برای معرفی برنامه‌های فرهنگی نامزدهای ریاست جمهوری اختصاص داده است. مخاطب این میزگردها فقط طرفداران این نامزدها نیستند و بدنه فعال فرهنگ و هنر هم علاقه‌مند هستند با ایده‌ها و فهم فرهنگی نامزدهای ریاست جمهوری آشنا شوند. واضح است که سوالات و طراحی این میزگردها، باید نسبتی واقعی با مسائل اصلی فرهنگ و جامعه ایران داشته باشد و این مهم‌ترین شاخصی است که می‌توان بر اساس آن نظرات و برنامه‌های کاندیداها چهارده‌همین دوره ریاست جمهوری را بررسی کرد.

هنرمندان و اهالی فرهنگ در یکی از سوءتفاهم برانگیزترین دوره‌های خود با مدیران فرهنگی به سر می‌برند. البته خود این دلایل متعددی دارد و ریشه آن فقط به چند سال اخیر بازنمی‌گردد اما به عنوان یکی از اصلی‌ترین مسائل امروز فرهنگ و هنر ایران باید مورد توجه رئیس جمهور آینده قرار گیرد. پس یکی دیگر از موارد مهم و مورد مطالبه در میزگرد فرهنگی نامزدهای ریاست جمهوری به این موضوع برمی‌گردد که رئیس جمهور آینده قرار است چه نسبت تعاملی را با هنرمندان ایرانی داشته باشد. قطعا با کنار گذاشتن سوءتفاهم‌ها، دایره این تعامل گسترده‌تر از پیش خواهد شد و شامل تمام هنرمندانی می‌شود که سال‌هاست برای ساکنان جغرافیای فرهنگی ایران، فیلم ساختند، شعر سرودند، موسیقی نواختند و در یک کلام هنر آفریدند.

میزگردهای فرهنگی که تلویزیون برگزار می‌کند را از این جهت مغتنم شمردیم و سراغ اهالی فرهنگ و هنر رفتیم تا برایمان در خصوص شیوه‌ها و برنامه‌ریزی فرهنگی در دولت آینده بگویند. در گفت‌وگو با فعالان فرهنگی دو سوال را طرح کردیم؛ یکی اینکه در میزگردهای فرهنگی چه موضوعاتی باید مطرح شود و اولویت‌های امروز حوزه فرهنگ چه چیزهایی است که هر کدام از نامزدها باید به آن بپردازند؟ البته ما این فرض را در نظر داریم که میزگردها ضبطی است و فرصت شنیدن پیشنهادهای این افراد برای طراحان این میزگرد تلویزیونی از دست رفته است؛ اما این پرسش و پاسخ می‌تواند شاخصی برای ارزیابی کیفی میزگردها باشد و اینکه رسانه ملی در چه نسبتی با واقعیت‌های فرهنگی امروز ایران قرار دارد. اما سوال دومی که از این کارشناسان فرهنگی پرسیدیم، پاسخ‌هایی دارد که مبتنی بر آن می‌توان، مساله مندی این نامزدها را ارزیابی کرد و اینکه چه معیارهایی را برای سنجش و شناسایی فهم فرهنگی هر کدام از نامزدها پیشنهاد می‌کنند.

شعارندهند و بگویند چگونه از تولید فیلم حمایت می‌کنند

محمود گیرلو
منتقد سینما

ما در هر دوره ریاست جمهوری شاهد حضور نامزدهایی هستیم که در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مباحثی را مطرح می‌کنند. طبیعتا برنامه‌هایی را هم در هر کدام از این حوزه‌ها ارائه می‌کنند. عموما شاهد هستیم کاندیداها در هر دوره ایده‌های قدرتمندی را در حوزه فرهنگ و هنر مطرح می‌سازند اما در عمل نگاه کم‌عمق و ضعیفی نسبت به این حوزه دارند. بعد از حوزه اقتصاد و سیاست، عرصه هنر برای شان مهم است اما در انتخاب مسئولان مربوطه، خیلی دقت نمی‌کنند و به همین دلیل هربار در دوره‌های ریاست جمهوری با مشکلاتی در حوزه فرهنگ و هنر روبه‌رو هستیم. طبیعتا در برنامه حاکمیت، استراتژی کلان در حوزه فرهنگ وجود دارد اما شیوه‌های اجرایی دولت‌ها به‌گونه‌ای است که با سلایق شخصی خودشان استراتژی‌ها را پیاده می‌کنند و به همین دلیل دچار اختلاف هستیم و در مجموع اتفاقاتی نو در این حوزه نمی‌افتد. این موضوع دو دلیل عمده دارد؛ اول اینکه پراکندگی دیدگاه‌ها و نظرها در حوزه‌های اجرایی فرهنگ و هنر وجود دارد چون ما در سطح کلان استراتژی‌های عمیق و جدی داریم اما در شیوه‌های اجرایی شاهد پراکندگی نظر هستیم. از سوی دیگر اشکالی که وجود دارد اینکه نگاه جدی به حوزه فرهنگ و هنر در دولت‌های مختلف وجود نداشته و به همین دلیل در عملکردهای اجرایی شاهد آن هستیم که با شیوه‌های سطحی، مغرضانه و کم‌عمق به حوزه فرهنگ نگاه می‌کنند.

درست است که در کشور ما مساله اقتصاد جدی شده است و باید برای آن طراحی و برنامه داشته باشند یا در حوزه سیاسی نیاز به نگاه‌های عمیق و جدی است اما نامزدهای ریاست جمهوری باید این را بدانند که پایه‌های هویتی هر فعالیت اقتصادی و اجتماعی در حوزه فرهنگ و هنر است.

البته یک ترسی هم داریم؛ چون متولیان فرهنگ و هنر در کشور زیرمجموعه یک مدیریت، برنامه‌ریزی نمی‌شود. برای مثال دولت در وزارت ارشاد برنامه‌ریزی می‌کند اما مجموعه‌های دیگری وجود دارد که دیدگاه‌های خودشان را پیاده می‌کنند مثل کمیسیون فرهنگی مجلس یا نهادهایی مثل سازمان تبلیغات اسلامی یا تشکیلاتی که در مساله فرهنگ دخالت می‌کنند و هر کدام برای اتقال پیام هایی که دارد از طریق فیلمسازی ورود و اعداف داشته‌اند. بنابراین توجه به حوزه سینما به خصوص حوزه فیلم و صنوف سینمایی از ضروریاتی است که نامزدهای ریاست جمهوری باید شفاف درباره آن صحبت کرده و از دادن شعار و برنامه‌های کلان خودداری کنند چون پیاده‌سازی آن متفاوت است.

کاندیداها شفاف شعارندهند

در مرحله اول نامزدها باید به طور شفاف استراتژی‌شان را در خصوص تولید آثار سینمایی مطرح کنند و بگویند از چه نیروهایی می‌خواهند استفاده کنند و چه برنامه‌ای برای پشتیبانی از تولید فیلم دارند. واقعیت این است مردم ایران علی‌رغم مشکلات اقتصادی و اجتماعی که دارند، این روزها برای تفریح متوسل به فیلم دیدن می‌شوند. شاید قالب ماتحیر کرده و لزوما سینما نمی‌رویم اما همچنان مخاطب فیلم، سریال و محتوایی هستند که هنرمند ایرانی می‌سازد.

هر دولتی اگر بخواهد در عرصه سیاسی و اجتماعی موفق شود باید حتما نگاه روشن و شفافی به تولید فیلم داشته باشد. مردم باید دیدن فیلم هم سرگرمی و نشاط برای خودشان ایجاد می‌کنند و هم پیام‌هایی را دریافت می‌کنند. دروافع دولت می‌تواند برای انتقال پیام‌هایی که دارد از طریق فیلمسازی ورود و اهداف داشته‌باشد. بنابراین توجه جدی به حوزه سینما به خصوص حوزه فیلم و صنوف سینمایی از ضروریاتی است که نامزدهای ریاست جمهوری باید شفاف درباره آن صحبت کرده و از دادن شعار و برنامه‌های کلان خودداری کنند چون پیاده‌سازی آن متفاوت است.

کاندیداها شفاف جنبه‌های حمایتی‌شان را بیان کنند

مردم باید ببینند دانش و آگاهی کاندیداها در حوزه فرهنگ و هنر در چه حد و اندازه‌ای است. اگر احساس کنیم که رئیس جمهور اطلاعاتی از موضوعات مختلف مثل تولید فیلم و کتاب و فیلمسازانی که با مردم ارتباط می‌گیرند و... دارد یعنی سطح دانشش بالاست و می‌تواند عمیقا به این موضوع نگاه کند. اما اگر در سطح شعار دادن باشد کارایی ندارد. تجربه به ما نشان داده کاندیداها در این حوزه‌ها باید دانش و آگاهی وسیع در حوزه فرهنگ و هنر و مشخصا حوزه سینما داشته باشند و به طور مصداقی این را بیان کنند. همه هنرمندان اگر احساس کنند یک رئیس جمهور، دلسوزانه پشتیبان‌شان است و از آنها حمایت می‌کند، حتما در تلاش خواهند بود فیلم‌های خوبی را به جامعه ایران تولید کنند. مردم ما از شعار دادن‌ها خسته شده‌اند و انتظار دارند نامزدها به صورت شفاف جنبه‌های حمایتی‌شان را تبیین کنند.

کاندیداها شعارهایی ندهند که بعدا به دیوار سخت واقعیت بخورند

سجاد نوروزی
مدیرمسئول آرادی

این یکی از گرفتاری‌های حوزه فرهنگ است که همه خودشان را در این حوزه متخصص می‌دانند و به نظرشان چون حوزه‌ای است که فرمول مشخصی ندارد آن را واجد سهل‌گیری می‌دانند و وقتی وارد کنش فرهنگی و کنش معطوف به خلق یک اثر هنری می‌شوند کلا فرهنگ و هنر را به مفهومی چون تبلیغات تقلیل می‌دهند. یعنی فراموش می‌شود که اگر یک نفر بخواهد اثر تبلیغاتی خوبی به جا بگذارد اول از همه باید واجد یک سری ویژگی‌های هنری باشد که بعد بتواند تبلیغات آن را انجام دهد. همین سهل‌گیری باعث می‌شود کالای هنری یا مصرف فرهنگی را با مصرف تبلیغی اشتباه بگیرند و نهایتا توقع‌شان از فرهنگ و هنر چیزی است که صرفا یک ایده‌ای را تبلیغ کند. در سال‌های گذشته، رویکردهای دو جناح سیاسی را دیدیم و متوجه شدیم که این رویکرد نیز آسیا مشترک است.

با طراحی بروکراتیک نمی‌شود کار فرهنگی کرد

به صورت مشخص کاندیداها باید ابدا به بدهند و بگویند که توقع و تلقی‌شان از مفهوم فرهنگ و هنر چیست. یعنی بگویند چه تعریف و ماهیتی برای فرهنگ و هنر قائلند. این پرسش بسیار ریشه‌ای است. آنها باید بگویند ماهیت و ذات فرهنگ چیست، اصلا خود هنر چیست؟ وقتی بتوانند پاسخ دقیقی به این سوالات بدهند، بعد می‌توان درباره مسائل دیگر هم صحبت کرد ولی اگر نتوانند به این پرسش پاسخ دهند، نتیجه همانی می‌شود که در سالیان اخیر در حوزه فرهنگ اتفاق افتاده است. ما باید به یک تعریف جامع از هنر برسیم و نسبت آن را با مبانی اسلامی خودمان مشخص کنیم و بعد براساس این تعریف درست به سمت مصرف فرهنگی برویم و تولید هنری را سامان دهیم. اینها مسیری است که باید طی شود و تا به حال این اتفاق نیفتاده است. اینکه کاندیداها بیایند و بگویند اولویت من توجه به هنرمندان مناطق محروم است یا مثال‌های دیگر شبیه به این موضوع که مطرح شد، وقتی جلو برود به دیوار سخت واقعیت می‌خورد. شما نمی‌توانید با یک طراحی بروکراتیک، تولید هنری و مصرف فرهنگی راه بیندازید.

در حوزه فرهنگ و هنر باید واقع‌گرایانه عمل کرد

در جریان این میزگردهای فرهنگی که قرار است برای کاندیداهای ریاست جمهوری برگزار شود، یک شاخص برای سنجش رابطه کاندیدا با حوزه فرهنگ و هنر خود دارد، آن هم واقع‌بینی است. فرهنگ و هنر ما احتیاج به رویکردی رئالیستی دارد. یعنی هر وعده‌ای که رئالیستی‌تر باشد، به آن می‌توان دل بست. مردم ما به عملکرد و صحبت واقعی نیاز دارند، نه یک موضوع تبلیغاتی.

سینمای ایران را دوباره بین‌المللی کنید

سیدجمال ساداتیان
تهیه‌کننده سینما

حوزه فرهنگ شالوده تحولات اجتماعی است و نیاز دارد در آن تحول اتفاق بیفتد. اگر فرهنگ درست شود حال اجتماع خوب می‌شود ولی وقتی حوزه فرهنگ دچار رخوت است روی مسائل دیگر هم تاثیر می‌گذارد. نزدیک برگزاری انتخابات ریاست جمهوری که می‌شود ما صحبت‌هایی می‌کنیم و دل‌مان خوش می‌شود به اینکه افراد است اتفاقات خوبی برای فرهنگ و هنر بیفتد. اما مدیران فرهنگی بدون توجه به نظرات اهالی هنر، به این موضوع توجه نمی‌کنند که جوهره هنر چیست و اصلا مطالبات مردمی در این حوزه چیست. آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم طرحی ارائه کرد به نام مارشال؛ بر اساس این طرح، بودجه بازسازی خسارت‌ها را به کشورهای درگیر جنگ داد. به اثربش هم بودجه‌ای داد بد. بعدها از آنها پرسید چرا این بودجه را صرف توسعه صنعت و کارخانه نکردید. اثربخشی‌ها پاسخ دادند ما اپیرا و موسیقی و... ساختیم. وقتی دلیل این کار را پرسیدند، پاسخ گفتند که تا وقتی فرهنگ یک کشور دست نشود، چرخ کارخانه‌اش هم نمی‌چرخد. این نمونه را از این جهت تعریف کردم که بگویم جوهره هنر و فرهنگ مطالباتی دارد که اگر بسترآن فراهم شود، حال جامعه هم خوب می‌شود. وقتی حال جامعه خوب شود مردم انرژی می‌گیرند و در اجتماع هم تاثیرگذار خواهند بود. حرف من این است که بستر تولید آثار فرهنگی و حمایت از آن باید فراهم شود. برای مثال ما در حوزه سینما دو، سه سالی است که داریم حضور بین‌المللی‌مان را از دست می‌دهیم. ۲۰ سال زحمت کشیده شد تا سینمای ایران آبرویی در دنیا پیدا کند ولی در سه سال گذشته در جشنواره‌ها غیبت کردیم، اگر هم به دلیل اینکه آثارمان ظرفیت حضور را ندارند یا اگر هم می‌رویم حرفی برای گفتن نداریم. این حضور بین‌المللی به دو دلیل می‌تواند کارساز باشد. یکی اینکه پرچم ایران را به عنوان شاخصه فرهنگی بالا می‌برد، دوم اینکه فیلم‌هایمان در رقابت جهانی اگر حرفی برای گفتن در جشنواره خارجی داشته باشند، در داخل هم تاثیرگذار می‌شوند. اینها نکته‌هایی است که باید به آن توجه کرد و درباره آن حرف زد.

فرهنگ؛ از دکور تا کارایی

حسن آقاجانی
کارشناس حوزه فرهنگی

کتابخانه یکی از اجزای تکراری دکورهای رسمی شده و هرکس بخواهد نسبتش با فرهنگ و هنر را نشان دهد، حتما استفاده از آن را در میزانسن پشت سر خود تجربه خواهد کرد اما چطور می‌توان نگاه دکوری به مقوله فرهنگ و هنر را به نگرشی راهبردی و کارآمد در حوزه فرهنگ ارتقا داد؟

گمان می‌کنم مشکل اصلی بدنه تصمیم‌گیر در مواجهه با مقوله فرهنگ همین نگاه دست چندم است؛ انگاهی که فرهنگ را به مثابه امری شکلی و هزینه‌زایی می‌بیند، نه رکن حل مشکلات اجتماعی و حتی اقتصادی. ارتقای هویت ملی و فرهنگ عمومی ستون بی‌بدیل رشد اقتصادی و سیاسی نیز به شمار می‌رود. مسئولانی که جایگاه فرهنگ در هویت ملی و خودباوری مردم را به درستی هضم کرده باشند، فرهنگ را امری نمایشی و دکوری نمی‌بینند. انتخابگر هوشمند به دنبال مسئولی است که راهبردهای عملیاتی برای تعمیق آرمان‌های ایران اسلامی در عرصه فرهنگ دارد و مسئولی می‌تواند سکان را در حرکت نیروهای انقلاب اسلامی در عرصه مدیریت اجرایی باشد که ماهیت فرهنگی و بینشی این انقلاب را به درستی هضم کرده و شیوه کاربست اجرایی آن را بداند.

توجه به نقش فرهنگ در گرماگرم انتخابات ریاست جمهوری اهمیت دوچندان می‌یابد؛ چراکه باید سنجید، نگرش کلام نامزد به فرهنگ و هنر، نگرشی راهبردی است و کدام داوطلب فرهنگ را تنها سکوی کسب آرای سلبریتی‌ها می‌بیند. میزگردهای فرهنگی و مناظرات تلویزیونی را در نظر بگیرید. تاکنون نگاهی کلان به فرهنگ توسط یک نامزد ارائه شده که بتواند دیدنان را به او تغییر دهد؟! این برنامه‌ها فرصتی ناب برای استخراج جوهره نگرش فرهنگی داوطلبان پذیرش مسئولیتی چنین خطیر است. نامزد ریاست جمهوری باید از برنامه‌هایش در توسعه و ترویج سکوهای فرهنگی، آموزش عمومی سواد فرهنگی، ارتقای کیفیت تولیدات فرهنگی، تقویت تعاملات فرهنگی و هنری بین‌المللی و رشد فرهنگ کتابخوانی توضیحاتی معنادار – نه فومی- ارائه کند تا عیار فهم فرهنگی خود و تیمش را مشخص سازد. او باید بتواند نسبت خود با بسترهای فرهنگی و رویکردش در سیاستگذاری حوزه فرهنگ را تمایان کند تا مردم شیوه حکمرانی فرهنگی مورد پسند خود را برگزینند؛ مدیریت تهدید محور و انحصارگرا یا مبتنی بر بسط فرهنگی و فرصت‌بخشی به بازیگران این عرصه؟ ارزیابی برنامه‌ها و نگرش یک نامزد نیز باید از صافی فرهنگ عبور کند. باید دانست کدام نامزد ریاست قوه مجریه می‌خواهد زمام امور فرهنگی را به دست اقلیتی فرزنده و آمارساز دهد و کدام یک می‌خواهد بسترساز مشارکت مردم در ارتقای فرهنگ عمومی باشد. کدام یک سواری عرصه فرهنگی موفق‌تری دارد و کدام تنها ذره‌پروری کرده و مجیرگرایون را بر کریس فرهنگ نشانده است.

القصه اگر مسئولی را برمی‌گزینیم، نباید تنها به چهره و رنگ و حزب و حامیانش نگاه کنیم؛ باید ببینیم او می‌تواند فرهنگ خودباوری و تلاش را در مدیریتش توسعه دهد یا رزومه فرهنگی‌اش اش را با تعداد سالن‌های سینما و فویش نمایشگاه کتاب پر خاطر کرد.

فرهنگ سوپه زیست این جامعه است؛ کدام نامزد برای کمک به تعالی جامعه پا به میدان گذاشته است؟

کاندیداها فرهنگ جامعه را با چه شاخصی قضاوت می‌کنند؟

علی‌اکبر اشعری
رئیس انسنو کتابخانه ملی

برای نگاه به فرهنگ، در چند حوزه می‌شود صحبت کرد. اولین نکته اینکه با توجه به تاکیداتی که مقام معظم رهبری چندین سال پیش در مورد پیوست فرهنگی مطرح کردند، باید دید کاندیداها چه تلقی‌ای از این موضوع دارند. وقتی صحبت از پیوست فرهنگی می‌شود باید در دو مقطع در مورد‌ش فکر کرد. یکی اینکه همه فعالیت‌ها باید در بستر فرهنگی جامعه شکل بگیرد تا مقاومت مردمی نداشته باشد که از این کارنامه‌ها بخش می‌شود، حتما نشان داده خواهد شد چقدر این کاندیداها بخش می‌شود، حتما نشان داده خواهد شد چقدر این کاندیداها به دنبال حل مشکل مردم است و دلسوز آنهاست یا اینکه می‌خواهد در اتاقی مانند گاری بنشیند. به نظرم بهترین شاخص برای شناخت، در دل مردم بودن است. امام (ره) می‌فرمایند راه رسیدن به خدا از میان مردم می‌گذرد. این یک اصل بزرگ فرهنگی است. این به معنای این نیست شما در اتاق‌تان بنشینید و مدیریت کنید. برای همه بودن و در میان مردم بودن بزرگترین شاخص فرهنگی است که باید مورد نظر قرار بگیرد.

موضوع دومی که باید به آن توجه کرد، اینکه عموما قضاوت‌هایی که در حوزه فرهنگ می‌شود، ناشی از مشاهدات است. متاثر تشیع رئیس جمهور شهید را در نظر بگیرید. همه با مشاهده این تشیع می‌گویند، همه مردم همراه هستند، بعد مثلا به کوه می‌روند و اوضاع آنجا را می‌بینند و می‌گویند، اوضاع خوبی نداریم، بی‌بند و باری زیاد است. علتش این است ما سامانه‌ای برای رصد و پایش فرهنگ نداریم. باربا به وزارتی ارشاد پیشنهاد دادم این کار را انجام بدهند تا موجه نگردند. ما نیاز داریم اگر قضاوتی نسبت به فرهنگ جامعه داریم، یک قضاوت عالمانه باشد. بدانیم چند درصد مردم گوفتار این موضوع هستند. موضوع سوم هم اینکه حوزه فرهنگ بسیار دربیاژه است. در این حوزه باید برای هر بازه‌ای هدف‌هایی تعیین شود تا همه فعالیت‌های کشور را به سمت حل آن مساله ببرند. مثلاگفته می‌شود ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی به ایشان پیشنهاد دادم شما همه وزارتخانه‌ها را مکلف کنید وزرا مشاور فرهنگی داشته باشند و سنادی برای این مشاوران در وزارت ارشاد که متولی اصلی حوزه فرهنگ است، تشکیل شود.

طلاق در کشور زیاد است، باید وزارت ارشاد هم جوانب این موضوع را در نظر بگیرد و بعد در این حوزه کار فرهنگی را شروع کند.

نکته بعدی که باید توجه کرد، اینکه برای شناسایی نسبت این آدم‌ها با فرهنگ، باید شیوه زیست و برخورد او با واقعیت زندگی مردم را نگاه کرد. فردی که آنقدر مغرور است که گویی بر سر مردم منت گذاشته وارد صحنه رقابت شده، طبیعتا از نظر فرهنگی پذیرفته نیست. یک سری مشخصات عمومی است که همه کاندیداها دارند، اما این رفتارهای دلسوزانه نسبت به احوالات مردم باید نشان داده شود. در فیلم‌هایی که از این کاندیداها پخش می‌شود، حتما نشان داده خواهد شد چقدر این کاندیداها به دنبال حل مشکل مردم است و دلسوز آنهاست یا اینکه می‌خواهد در اتاقی مانند گاری بنشیند. به نظرم بهترین شاخص برای دیوراپر کردن تولید فیلم‌های سینمایی گذاشتیم. چون برخی از رئیس‌جمهور باید بدانند چرا در فرهنگ تعریف و اصلاح کنند. در مورد نسبت کاندیداها با فرهنگ، باید ببینیم این فرد برای جمع‌آوری رای فقط به نیازهای فیزیکی و سخت‌افزاری جامعه اشاره می‌کند، یا اینکه حواسش به موضوعات فرهنگ و نرم‌افزارها هم هست.

آموزش‌وپرورش پر از معضلات فرهنگی و تربیتی است. همچنین جامعه هنری ما مشکلات ریشه‌ای دارند. مثلا یکی از معضلات سیاسی در این سال‌ها، هنرمندانی بودند که بنا شده مسائل سیاسی کشور را حل کنند، اما خودشان تبدیل به یک مساله شدند. وقتی اعتشاشی ایجاد می‌شود منطقا این جامعه هنری است که باید به کمک دولت بیاید، تا مرجع و مرجع و اغتشاش را بخواباند. اما خودش آتش به این عرصه می‌ریزد. سوال این است که این کاندیدای ریاست جمهوری نسبت به این پدیده‌ها تحلیل دارد یا به عرصه فرهنگ با یک دیدگاه اجرایی این است که متناسب با کارکردهای خودشان هم تاثیر فرهنگ را روی کار خودشان ببینند. همچنین ببینند مجموعه فعالیت‌های که این سازمان انجام داده چه تاثیرات مثبت و منفی روی فرهنگ جامعه می‌گذارد.

این همان بحثی است که مقام معظم رهبری تحت عنوان پیوست‌نگاری فرهنگی چندین سال است مطرح کرده‌اند اما مورد توجه قرار نگرفته است. اینکه این موضوع چرا تقلیل پیدا می‌کند، این است که ما به فرهنگ به صورت تجربی نگاه می‌کنیم و هنوز فرهنگ را به صورت یک موضوع تخصصی و علمی که باید به سراغ صاحب‌نظرش برویم نگاه نکرده‌ایم. مثلاتاگاه کنید موانع زیادی در تولید مسکن وجود دارد و بیشترین کمبود مسکن را در کشور داریم اما بخش زیادی از این مساله، مربوط به مشکلات فرهنگی است و با فرهنگ‌سازی، می‌توان بخشی از این موانع را برطرف کرد. در این میزگردها باید از کاندیداهای ریاست جمهوری پرسیده شود، شما فرهنگ را چه چیزی می‌بینید و از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف چه انتظاراتی دارید که خودشان را در فرهنگ تعریف و اصلاح کنند. در مورد نسبت کاندیداها با فرهنگ، باید ببینیم این فرد برای جمع‌آوری رای فقط به نیازهای فیزیکی و سخت‌افزاری جامعه اشاره می‌کند، یا اینکه حواسش به موضوعات فرهنگ و نرم‌افزارها هم هست.

آموزش‌وپرورش پر از معضلات فرهنگی و تربیتی است. همچنین جامعه هنری ما مشکلات ریشه‌ای دارند. مثلاتاگاه کنید مسائل سیاسی در این سال‌ها، هنرمندانی بودند که بنا شده مسائل سیاسی کشور را حل کنند، اما خودشان تبدیل به یک مساله شدند. وقتی اعتشاشی ایجاد می‌شود منطقا این جامعه هنری است که باید به کمک دولت بیاید، تا مرجع و مرجع و اغتشاش را بخواباند. اما خودش آتش به این عرصه می‌ریزد. سوال این است که این کاندیدای ریاست جمهوری نسبت به این پدیده‌ها تحلیل دارد یا به عرصه فرهنگ با یک دیدگاه اجرایی این است که متناسب با کارکردهای خودشان هم تاثیر فرهنگ را روی کار خودشان ببینند. همچنین ببینند مجموعه فعالیت‌های که این سازمان انجام داده چه تاثیرات مثبت و منفی روی فرهنگ جامعه می‌گذارد.

رئیس‌جمهور باید ذائقه فرهنگی باشد

حسین بنی‌نیان
عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی

بزرگ‌ترین مشکل‌مان تقلیل مفهوم فرهنگ به فعالیت‌های محدود مستقیم فرهنگی است، ببینید ما هیچ فعل انسانی در مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مسائل اجتماعی نداریم که با اعتقادات، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری‌مان ارتباط نداشته باشد؛ این فرهنگ است که در همه چیز تاثیرگذار می‌شود. اما عملا چون در کشورهای مناسک ارزشمند دینی داریم، سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی وقتی می‌خواهند کار فرهنگی انجام دهند، چند کار فرهنگی مذهبی را در اولویت می‌گذارند و بعد از انجام، احساس می‌کنند وظیفه‌شان تمام شده است، درحالی که اصل وظیفه دستگاه‌های اجرایی این است که متناسب با کارکردهای خودشان هم تاثیر فرهنگ را روی کار خودشان ببینند. همچنین ببینند مجموعه فعالیت‌های که این سازمان انجام داده چه تاثیرات مثبت و منفی روی فرهنگ جامعه می‌گذارد.

این همان بحثی است که مقام معظم رهبری تحت عنوان پیوست‌نگاری فرهنگی چندین سال است مطرح کرده‌اند اما مورد توجه قرار نگرفته است. اینکه این موضوع چرا تقلیل پیدا می‌کند، این است که ما به فرهنگ به صورت تجربی نگاه می‌کنیم و هنوز فرهنگ را به صورت یک موضوع تخصصی و علمی که باید به سراغ صاحب‌نظرش برویم نگاه نکرده‌ایم. مثلاتاگاه کنید موانع زیادی در تولید مسکن وجود دارد و بیشترین کمبود مسکن را در کشور داریم اما بخش زیادی از این مساله، مربوط به مشکلات فرهنگی است و با فرهنگ‌سازی، می‌توان بخشی از این موانع را برطرف کرد. در این میزگردها باید از کاندیداهای ریاست جمهوری پرسیده شود، شما فرهنگ را چه چیزی می‌بینید و از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف چه انتظاراتی دارید که خودشان را در فرهنگ تعریف و اصلاح کنند. در مورد نسبت کاندیداها با فرهنگ، باید ببینیم این فرد برای جمع‌آوری رای فقط به نیازهای فیزیکی و سخت‌افزاری جامعه اشاره می‌کند، یا اینکه حواسش به موضوعات فرهنگ و نرم‌افزارها هم هست.

آموزش‌وپرورش پر از معضلات فرهنگی و تربیتی است. همچنین جامعه هنری ما مشکلات ریشه‌ای دارند. مثلاتاگاه کنید مسائل سیاسی در این سال‌ها، هنرمندانی بودند که بنا شده مسائل سیاسی کشور را حل کنند، اما خودشان تبدیل به یک مساله شدند. وقتی اعتشاشی ایجاد می‌شود منطقا این جامعه هنری است که باید به کمک دولت بیاید، تا مرجع و مرجع و اغتشاش را بخواباند. اما خودش آتش به این عرصه می‌ریزد. سوال این است که این کاندیدای ریاست جمهوری نسبت به این پدیده‌ها تحلیل دارد یا به عرصه فرهنگ با یک دیدگاه اجرایی این است که متناسب با کارکردهای خودشان هم تاثیر فرهنگ را روی کار خودشان ببینند. همچنین ببینند مجموعه فعالیت‌های که این سازمان انجام داده چه تاثیرات مثبت و منفی روی فرهنگ جامعه می‌گذارد.

برای خوش‌آمد مردم از فرهنگ صحبت نکنند

محسن پرویز
معاون انسنو فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

قبل از اینکه وارد موضوع فرهنگ بشویم، می‌خواهم نکته‌ای را در مورد تبلیغات تلویزیونی بگویم. کلا با این شیوه و این جور مناظرات خیلی موافق نیستم و فکر می‌کنم اینها سیستم‌هایی وام گرفته از کشورهای غربی است و عملا منجر به شناخت بیشتر از کاندیداها نمی‌شود، بلکه از توانایی‌های کاندیداها در گفت‌وگوی با مخاطب و اقناع مخاطب در اینجا در تصور پیروی می‌کند و این بر شکست و پیروزی نامزدها موثر است. چه بسا در مناظره‌های دوره‌های قبل، پیش آمده که کاندیدایی به خوبی این برنامه‌ها را تشریح کرده اما چون جلسه تخصصی بوده، مخاطب عام خیلی این موضوع را متوجه نشده است.

درحالی‌که برخی کاندیداها با زبان عامه تاثیرگذاری بیشتری داشتند و قضا با به نفع خودشان تغییر دادند. عرضم این است که ما باید در این حوزه‌ها به فکر شیوه‌های نوینی باشیم. اینکه مجری بنشیند و سوالی مطرح کند و کاندیدا هم باربط و بی‌ربط نگاری را مطرح کند، که هیچ ربطی به این سوال ندارد، به نظرم کار درستی نیست و باید در این شیوه‌ها تغییراتی را ایجاد کنیم که منجر به طرح مسائل عمیق شود تا کاندیدایی که نکاتی را مطرح کرده اگر انتخاب شد، همان‌ها را به عنوان برنامه هایی که مطرح کرده، توسط نمایندگان مجلس، نهادهای مسئول و رسانه‌ها مطالبه شود.

در حوزه فرهنگ نکاتی مطرح است که باید این افراد به آن پاسخ دهند. اول تشریح برنامه هایی است که این کاندیداها در حوزه‌های مختلف فرهنگی دارند. در گذر زمان اتفاقات مثبت و منفی فرهنگی در جامعه رخ داده است. مثلا یکی از مشکلات جامعه فرهنگی امروز ما این است که با حقایق سایر جوامع بیگانه هستیم و باعث شده تا جوانان ما به لحاظ روحی و روانی با دیدن کوچک‌ترین نامایلماتی احساس سرخوردگی کنند و این تصور غلط وجود دارد که این نامایلمات مخصوص کشور ما است و در جهای دیگر این مشکلات وجود ندارد. به خاطر همین است به اینجا می‌رسند که باید از کشورف رف. این موضوع حتی اگر درصد اندکی هم باشد، فاجعه است. چون نتوانستیم ارتباط درست با آنها برقرار کنیم. باید دید این کاندیداها به این موضوع فکر کرده‌اند و برایش برنامه دارند یا نه؟ و این فاصله‌ای که بین ما و فرهنگ اصیل ما هست، برایش برنامه فرهنگی دارند یا نه؟

مسائل عمیق حوزه فرهنگ باید مورد توجه کاندیداها باشد. مثلا سند مهندسی فرهنگی حدود ۱۵ سال پیش در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد، و به گمانم حدود ۱۲ سال از ابلاغ آن می‌گذرد. اینکه چقدر به اجرا نزدیک شده و چند درصد برنامه های آن اجرا شده و نتایج و عایدی آن چه بوده است؟ باید سنجیده شود و دید چقدر این افراد به این موضوع توجه دارند. نکات اصلی و عمقی حوزه فرهنگ، باید مطرح شود و کاندیداها برنامه های خودشان را در این حوزه‌ها مطرح کنند. به نظرم بهترین حالت برای شکل‌گیری مناظره‌های فرهنگی این است که در جمع‌های تخصصی باشد تا این افراد به این دید نگاه کنند اگر نقایصی هم در کارشان دارند، آنها را برطرف کنند.

فرهنگ جزء جغرافیایی است که عرصه تاخت‌وتاز کاندیداها برای اغوای مردم می‌شود، درحالی‌که مسائل اصلی حوزه فرهنگ در این موارد خلاصه نمی‌شود. مثلاتا در سال‌های گذشته می‌دیدیم در بحث‌های غیرمرتبط می‌گفتند آیا باید با پوشش خانم‌ها برخورد شود یا نه؟ این موضوع مساله اصلی فرهنگ